



# نقش خراساد شکوفان معماری ایرانی اسلامی

## باززنده سازی پاتوق محله‌های مشهد با تأکید بر احیای عناصر سنتی

وحید حسین‌زاده<sup>۱</sup>، فاطمه قاسمی<sup>۲\*</sup>

۱- گروه معماری، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

۲- دانشجو کارشناسی مهندسی معماری، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

### خلاصه

در عصر اطلاعات که سرمای فضای مجازی ارتباطات انسانی مبتنی بر مکث، دیدن، گفتگو و شنیدن را سرد ساخته است نیاز به فضاهای جدیدی داریم تا امکان ارتباط مردم محلات شهری که در پیرامون ما حضور دارند را فراهم سازد. در شهر مشهد، از میادین و خیابان‌های قدیمی یا بافت قدیمی و تاریخی که می‌گذری در امتداد خیابان‌ها یا در دل محلات و بعضاً در کنار ساختمان‌هایی قدیمی، فضاهای رها شده بی دفاع شهری نیز وجود دارد که شهرداری به قصد اجرای تعریض معابر، آنها را تملک نموده است. این عقب رفتگی‌های خاکستری ضمن نامطلوب ساختن منظر شهر مشکلات فراوانی را برای ساکنان بافت و محله‌های شهر نیز بوجود آورده است؛ به همین دلیل شهرداری مشهد در راستای گسترش فضاهای عمومی با بافت فرهنگی و اجتماعی و همچنین استفاده بهینه از ظرفیت‌های ایجاد شده در فرآیند تملک املاک واقع در پروژه‌های شهری تا زمان رسیدن به افق برنامه بلند مدت و تبدیل این اراضی به محیط امن و کارآمد، اقدام به راه اندازی فضاهای متنوع و جذاب شهری تحت عنوان (پاتوق محله) نموده است که این امر تلاشی برای بازآفرینی روح زندگی جمعی در شهر و کوششی در جهت تداوم حس تعلق شهروندان است. لذا در این پژوهش مسئله اصلی پاسخ به این سؤال می‌باشد که چه عناصری در معماری سنتی ایران، باعث شکل‌گیری پاتوق محله‌های مشهد شده است؟ روش تحقیق در پژوهش پیش رو از نوع کیفی و کمی است. در ابتدا جهت دستیابی به چگونگی شکل‌گیری پاتوق محله‌ها و عوامل ایجاد آنها در بازه زمانی مورد نظر پژوهش، پیشینه پژوهش و مبانی نظری به روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بررسی و تدوین گشت و سپس با مطالعه میدانی بر روی پنج نمونه موردی سنجیده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از عناصر معماری سنتی می‌تواند ضمن ایجاد ترتیبی نو در فرآیند شکل‌گیری فعالیت‌ها، به نوسازی، بهسازی و بازسازی شهر نیز کمک نماید و راهگشای معماران جوان این سرزمین در دوران معاصر باشد چرا که بر اصول و باورهای معنوی مردمان سرزمین ایران تکیه داده شده است.

**کلمات کلیدی:** عناصر معماری سنتی، پاتوق محله‌های مشهد، فرهنگ، فضای شهروندگرا.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## مقدمه

در عصر اطلاعات که سرمای فضای مجازی ارتباطات انسانی مبتنی بر مکث، دیدن، گفتگو و شنیدن را سرد ساخته است نیاز به فضاهای جدیدی داریم تا امکان ارتباط مردم محلات شهری که در پیرامون ما حضور دارند را فراهم سازد. فضاهای عمومی شهری نظیر مساجد، پاتوق‌ها، میدان‌ها، کوی‌ها و برزن‌ها و هر جای دیگری که فرصت دیدن و دیده شدن، شنیدن و گفتگوی همراه با مکث را فراهم کنند، روح و جان هر شهروند. چنین فضاهایی ویتترین و پیش‌خوان ساکنان شهر محسوب می‌شوند. مکانی برای مکث، فضایی برای ارتباط و مرور خاطرات عابرانی که به نوعی متعلق به این مکان‌ها هستند. در شهر مشهد، از میادین و خیابان‌های قدیمی یا بافت قدیمی و تاریخی که می‌گذری در امتداد خیابان‌ها یا در دل محلات و بعضاً در کنار ساختمان‌هایی قدیمی، فضاهای رها شده بی دفاع شهری نیز وجود دارد که شهرداری به قصد اجرای تعریض معابر، آنها را تملک نموده است. این عقب رفتگی‌های خاکستری ضمن نامطلوب ساختن منظر شهر مشکلات فراوانی را برای ساکنان بافت و محله‌های شهر نیز بوجود آورده است؛ به همین دلیل شهرداری مشهد در راستای گسترش فضاهای عمومی با بافت فرهنگی و اجتماعی و همچنین استفاده بهینه از ظرفیت‌های ایجاد شده در فرآیند تملک املاک واقع در پروژه‌های شهری تا زمان رسیدن به افق برنامه بلند مدت و تبدیل این اراضی به محیط امن و کارآمد، اقدام به راه اندازی فضاهای متنوع و جذاب شهری تحت عنوان (پاتوق محله) نموده است که این امر تلاشی برای بازآفرینی روح زندگی جمعی در شهر و کوششی در جهت تداوم حس تعلق شهروندان است. تیبالدز در کتابش بر توجه به بناهای تاریخی و راز ماندگاری آنها تأکید کرده و معتقد است که ساخت و سازهای جدید شهری بایستی به گونه‌ای باشند که همانند ابنیه گذشته در یاد و خاطره مردم جاودانه گردند و بر دوری جستن از «سبک بین المللی»، که سبب همانندی شهرها می‌گردند، تأکید می‌کند زیرا این سبک اجازه ظهور فرهنگ را در بناها نمی‌دهد و نتیجه آن ظهور فضاهایی نامتناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی هر شهر می‌باشد. اصل دیگری که تیبالدز در کتابش بدان اشاره می‌کند «قابلیت دسترسی برای همگان» است، بدین معنا که فضاهای شهری بایستی به شیوه‌ای طراحی گردند که قابلیت پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های عموم مردم را دارا باشند و در عین حال هویت منحصر به فرد خود را حفظ نمایند. طراحان شهری بایستی از هر فرصتی جهت از بین بردن موانع در محیط‌های شهری و قابل دسترس نمودن آنها برای عموم مردم بهره گیرند [۱]. لذا وجود فضاهای پاتوق بیش از پیش ضروری می‌نماید. هدف این پژوهش باززنده سازی پاتوق محله‌های شهر مشهد با تأکید بر احیای عناصر سنتی است که با توجه به امکان و استعداد بالقوه و نهانی پاتوق‌های مذکور به عنوان یک فضای شهری مردمی پایدار و ماندگار در طول زمان جهت دهد. در این پژوهش مسئله اصلی پاسخ به این سؤال می‌باشد که چه عناصری در معماری سنتی ایران، باعث باززنده سازی پاتوق محله‌های مشهد شده است؟ روش تحقیق در پژوهش پیش رو از نوع توصیفی و تحلیلی است. جهت دستیابی به چگونگی شکل‌گیری پاتوق محله‌ها و عوامل ایجاد آنها در بازه زمانی مورد نظر پژوهش، پیشینه پژوهش و مبانی نظری به روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بررسی و تدوین گشت. سپس چارچوبی تحلیلی برای عناصر معماری سنتی ایران تهیه شده است.

## پیشینه

اگر بخواهیم در بخش پیشینه موضوع به پایگاه‌های تئوری این بخش اشاره کنیم بی‌گمان درگیر مباحث جامعه‌شناسی و همچنین مقوله‌های شهرسازی خواهیم شد که رد پای آن به صورت پراکنده در سخنان بزرگانی چون فرانسویس تیبالدز، راجرز، داراب دیبا، کامران صفامنش، حسین شیخ زین‌الدین وشایگان چندی دیگر از بزرگان معماری



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

ایران و جهان دیده می‌شود. تیبالدز در کتابش بر توجه به بناهای تاریخی و راز ماندگاری آنها تأکید کرده و معتقد است که ساخت و سازهای جدید شهری بایستی به گونه‌ای باشند که همانند ابنیه گذشته در یاد و خاطره مردم جاودانه گردند و بر دوری جستن از «سبک بین‌المللی»، که سبب همانندی شهرها می‌گردند، تأکید می‌کند زیرا این سبک اجازه ظهور فرهنگ را در بناها نمی‌دهد و نتیجه آن ظهور فضاهایی نامتناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی هر شهر می‌باشد. مؤلف بر اصل تلفیق و ترکیب کاربری‌ها در محیط‌های شهری و خلق محیط‌های چند منظوره جهت پویایی هر چه بیشتر فضاهای شهری تأکید نموده و بهترین محیط‌های شهری را، محیط‌هایی می‌داند که در آنها کاربری‌ها ادغام گشته و طیف متنوعی از فعالیت‌ها و تخصص‌ها شکل گیرد که این امر سبب می‌گردد محیط‌های امن و پویا در سطوح مختلف شهری پدید آید و او منطقه‌بندی و تفکیک کاربری‌ها را عامل نابودی فضاهای شهری می‌داند. اصل دیگری که تیبالدز در کتابش بدان اشاره می‌کند «قابلیت دسترسی برای همگان» است، بدین معنا که فضاهای شهری بایستی به شیوه‌ای طراحی گردند که قابلیت پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های عموم مردم را دارا باشند و در عین حال هویت منحصر به فرد خود را حفظ نمایند. طراحان شهری بایستی از هر فرصتی جهت از بین بردن موانع در محیط‌های شهری و قابل دسترس نمودن آنها برای عموم مردم بهره گیرند. شهر انسان‌گرا یعنی مکانی که نیازهای جسمانی، درونی و عرفانی انسان را به یک جا برآورده می‌سازد [۲].

با توجه به نظریه‌های صاحب‌نظران، اهمیت جایگاه فضای پاتوق در جامعه امروزی آشکار است. ایجاد فضای پاتوق با کیفیت مناسب در محله و شهرها جهت افزایش تعاملات اجتماعی میان افراد جامعه و پیشگیری از فردگرایی در جامعه امری ضروری است؛ اما نگارندگان موفق به یافتن پژوهشی که تأثیر عناصر معماری سنتی ایران را در این مکان‌ها بررسی و تحلیل کند، نیافته‌اند. در حالی که نیاز به انجام چنین پژوهش‌هایی در بسیاری از جوامع امروزی و به خصوص در جامعه ما که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌هایی چون کاهش فضاهای تفریحی عمومی، کاهش تعاملات اجتماعی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه است، احساس می‌شود.

## مبانی نظری

### ۱- عناصر معماری سنتی ایران

استفاده از الگوها در طراحی منجر به شکل‌گیری کیفیتی آشنا و مأنوس می‌شود که کریستوفر الکساندر، آن را کیفیت بدون نام می‌نامد [۳]. بنابراین معماری معاصر الگوگرا در ایران که زبان معماری را از الگوهای تاریخی و نظام فضایی آن اتخاذ نموده، راهکاری ارزشمند برای خلق پیوند معنایی و کالبدی با تاریخ معماری است. این گونه دربرگیرنده شاخصه‌های ارزشمند و اصیل معماری ایرانی است. پنج اصل مشترک معماری از دیدگاه صاحب‌نظران ایرانی (درون‌گرایی، مرکزیت فضا، انعکاس، پیوند معماری با طبیعت، محوربندی، سلسله مراتب فضایی و شفافیت و تداوم فضا) می‌توان نام برد. از عناصر معماری سنتی ایران می‌توان به آستانه، ورودی، حیاط، میانسرا-حیاط، گودال باغچه، حوض، آجر، کاشی و ... می‌توان نام برد.

۱-۱- مرکزیت: ویژگی موازی با مسأله درون‌گرایی، مرکزیت در فضای معماری است. سیر تحول عناصر پراکنده (کثرت‌ها) به وحدت مرکزی در اغلب فضاهای معماری دنیای اسلام به چشم می‌خورد. حیاط خانه‌ها، مساجد، مدرسه‌ها و کاروانسراها هسته‌های تشکیل دهنده این تفکر و رساندن عناصر عملکردی یا جزئیات میانه و دور به مرکز جمع‌کننده تنوع‌ها و گونه‌گونی‌ها می‌باشند. این فضای درونی مرکزی که گاه می‌تواند چیزی غیر از حیاط مرکزی باشد تنظیم‌کننده تمام فعالیت‌ها بوده و اصل و مرکز فضا را در قسمتی قائل است که نقطه عطف و عروجی استثنایی در آن رخ می‌دهد [۴]. از



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

الگوهای تجلی دهنده مفهوم مرکزیت، می‌توان به فضای نه قسمتی و فضای چهار قسمتی اشاره کرد [۵] در ابنیه چهار بخشی دو محور مهم متقاطع و اکثراً عمود بر هم وجود دارد و محل تقاطع این دو محور، مرکز تمرکز فضا است.

**۲-۱- انعکاس:** در اغلب فضاهای معماری ایران منظره کلی حاصل از شکل‌گیری عناصر کالبدی، به وجود آورنده کلیتی بصری است که اجزای آن در قالب محوربندی‌های حساب‌شده و منظم، چارچوبی را تشکیل می‌دهند که در آن موضوع شکل و تصویر به کمال می‌رسد. اجزاء ترکیبی در محورهای افقی و عمودی همواره رشد صعودی داشته و به منظور دستیابی به مرکزیت دید (تصویر) خط حرکت عمودی در فضاهای باز به طرف آسمان و نور تنظیم می‌شود که پیوند معماری، نور، آسمان و انعکاس را به عنوان نتیجه بصری نشان می‌دهد. انسان در گردش محوری خود به طرف جهات مختلف این کلیت فضایی منسجم را حس می‌کند که گویای نظام فکری منظمی است که در آن، مرکزیت فضا و زمین در مرکزیت (توحید) آشتی‌دهنده عوامل اتصال زمین و آسمان است. در مرکز این فضاها، سطح آب از لحاظ بصری به عنوان آیینه انعکاس‌دهنده، نه فقط بدنه‌های اطراف را معرفی می‌کند، بلکه به علت موقعیت استثنایی خود (مرکز) تمثیل داستان آسمانی منعکس در تالوهای آب به عنوان تصاویر برگردان حاضر ولی غیرمادی از زندگی انسان‌ها در میل به حقیقتی بالاتر و جاویدان است [۶].

**۳-۱- پیوند معماری با طبیعت:** همدلی و احترام به طبیعت ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت در معماری سنتی ایران کاملاً مشهود است. اشارات فراوان در کتاب آسمانی درباره گیاه، نور و اجزاء طبیعت و در نهایت تمثیل بهشتی آن موجب شده است که در معماری ایران حضور طبیعت به طور همه جانبه باشد و فضاهای نیمه‌باز-نیمه‌بسته در یک روند سلسله‌مراتبی به نحوی در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند که گویی همیشه انگیزه احترام و حفظ نعمت‌های الهی را پاس می‌دارند که در قلب طبیعت و اجزاء عناصر آن تجلی کرده است. فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و یا احکام دینی همواره در آهنگی موزون با طبیعت حرکت کرده‌اند و همجواری و همدلی انسان با طبیعت موجب شده است که عناصر طبیعت به گونه‌های مختلف در معماری‌های اصیل حضور داشته و انسان را از فواید تصفیه‌کننده آن بهره‌مند گردانند. واقعیت این است که هسته‌های وجودی این معماری، جهانی را در ذره فضای خود می‌گنجانند که اوج آن در مرکزی قرار دارد که جهان مختلف جغرافیایی کماکان مفهوم گشت‌وگذار ابدی را برای ما مجسم می‌کند [۷].

**۴-۱- تعادل:** تعادل یکی از مشتقات و تجلیات مفهوم عدل است که در آثار می‌باشد؛ به عبارت دیگر هر مجموعه هنری به ویژه معماری نمود می‌یابد، کالبد متعادل مجموعه یا کالبدی دیگر است که انتظام آن بر اساس رعایت اصول عدل انجام شده باشد [۸].

**۵-۱- تقارن:** اصل تقارن در معماری سنتی ایران یکی از وجوه زیبایی بصری است. در این شیوه معماری، ساخت بنا به صورت متقارن به عنوان شناسانه مطرح بوده و هم در کلیت بناهای زیبایی یکی از ارزش و هم در ساخت جزئیات آن از این اصل پیروی شده است. در این شیوه با استقرار حیاط با یک هندسه منظم در مرکز بنا و چینش عناصر و اجزای خانه در اطراف آن علاوه بر ایجاد تقارن محوری، مفهوم وحدت بین اجزا نیز به نمایش گذاشته شده است. این موضوع در جزئیات بنا شامل ساخت متقارن گره و نیز انواع تزئینات به کار رفته در معماری ایرانی نیز مد نظر بوده است [۹].

**۶-۱- پرهیز از بیهودگی:** معمار ایرانی کاری عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد. تا این حد که اگر تزئیناتی هم انجام می‌داده جزئی از سازه بوده نه پوسته‌ای اضافه بر روی آن. این اصل مهم در معماری ایرانی هم پیش از اسلام رعایت شده و هم بعد از آن. بهمین روی عناصر تزئینات معماری ایران عناصری همچون گچ، آجر، کاشی و خشت است که بیشتر بخشی



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

از کار بنیادی ساختمان است تا عنصر اضافه تزئیناتی. معمار ایرانی از گره‌سازی بهره می‌برد تا آجر که عنصر سازنده بنای او بوده علاوه بر کار سازه ای جنبه تزئیناتی هم داشته باشد [۱۰].

**۷-۱- مردم‌واری:** مردم‌واری، یکی از اصول اولیه معماری اصیل ایرانی است. در دنیای پرچالش امروز انسان تعلق خود را به مکان‌ها از دست داده است و موضوعی در باب مردم‌واری در معماری امروز ما مهجور و به دست فراموشی سپرده شده است. مردم‌واری درواقع معماری با اجزا و اندازه‌های متناسب بر پایه نیازهای انسانی را شامل می‌شود. به طور کلی عوامل بسیاری چون پیمون و تناسبات، درون‌گرایی، تزئینات، مذهب، الگوگیری از طبیعت پیرامون و فرهنگ بومی و ... در مردم‌وار کردن بنا دخیل هستند؛ راهکارهایی از دل معماری اصیل ایرانی که می‌تواند به سادگی احساس تعلق را نسبت به هر مکانی ایجاد کند [۱۱].

## ۲- پاتوق محله

پاتوق یک مکان شهری شامل فضای باز و بسته است که به عنوان بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها محسوب می‌شوند و به نوعی تبلور ماهیت زندگی و تعامل جمعی می‌باشد. پاتوق، محل اجتماع افرادی است که به صورت مستمر و در زمان‌های نسبتاً ثابت از آن استفاده می‌کنند. حضور در پاتوق آزادانه است و افراد در آن به گفت‌وگو، بازی کردن، کسب اطلاعات، استراحت کردن و ... می‌پردازند [۱۲]. بیشتر از اینکه محل و موقعیتی برای جمع شدن و گذراندن اوقات فراغت باشند، به روابط و شیوه عمل افراد برای اهداف خاص نظر دارند. فضایی است که حضور افراد در آن بدون برنامه خاص منجر به مشارکت و تعامل اجتماعی آنان می‌شود و لذا سازنده حیات اجتماعی جدید هستند. فضایی است که شهر از طریق آن می‌تواند هویت خود را با شهروند به تعامل بگذارد. فضایی است که شاکله‌ی شهر در آن بروز پیدا می‌کند. یکی از ظرفیت‌های عمومی فضای شهری برای بهبود کیفی کارکرد شهر است که می‌تواند فضاهای شهری را سرزنده کند و حس تعلق خاطر شهروندان را به شهر افزایش دهد [۷]. پاتوق‌های محلی نقاطی هستند که در آنها ساماندهی عناصر محیطی و بهداشتی، محوطه‌سازی و بهسازی مسیر تردد شهروندان، عناصر اطلاع‌رسانی (تابلوهای فرهنگی و آموزشی)، عناصر ترافیکی، تاسیسات و تجهیزات شهری، ایجاد و اصلاح فضاسازی محیطی، ایجاد امنیت محیطی، ایجاد غرفه‌های محلی، عرضه فعالیت‌های هنری خاص توسط خود اهالی محل، انجام فعالیت‌های هنری و گرافیکی و ایجاد و توسعه یا ساماندهی تعاملات اجتماعی لحاظ خواهد شد. نصب دو عنصر کیوسک پلیس محله و تابلوی اخبار از جمله ویژگی‌های یک پاتوق محله است. پاتوق‌های محلی سه مشخصه آرامش، خودمانی بودن و دنج بودن را با خود دارند و اصولاً کانون‌های اجتماعی و ارتقاء کیفیت محیط شهری است تا سرزندگی و حس تعلق به محله و امنیت اجتماعی محلات شهرمان تقویت شود.

## نمونه موردی و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش، به منظور دستیابی به عناصر مؤثر معماری سنتی ایران در باززنده‌سازی پاتوق محلات مشهد، پنج پاتوق محله انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت؛ نمونه‌های انتخاب شده اکثراً در مرکز شهر مشهد قرار دارند؛ پاتوق محله‌هایی با آجرهای قدیمی با حوض آبی و یک فرو نشستگی یا چند پله برای راهنمایی افراد به سمت سکوهایی کنج و فضای گرم آن قرار دارد تا مردم بتوانند در میان بنا مکث نمایند یا به دیواره‌ها تکیه دهند یا بر روی سکوها بنشینند؛ مردم می‌توانند در این رواق جداره‌ای پیاده‌راه بنشینند، گپ بزنند، کتاب بخوانند، ببینند و دیده شوند تا هر چند برای مدتی کوتاه ابزارهای امروزی خود را برای ارتباط کلامی و بصری کنار بگذارند. در جدول شماره ۱، ارزیابی پاتوق محلات شهر مشهد طبق پیمایش و بر اساس شاخص‌های عناصر و اصول معماری سنتی ایران بررسی شده است.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

جدول شماره ۱: ارزیابی شاخص های عناصر معماری سنتی ایران در پاتوق محلات شهر مشهد

| تصاویر پاتوق محلات  | ایجاد مرکزیت                         | انعکاس                                 | مردم‌واری                            | نیارش                                | پرهیز از تشخیص  | پاتوق محلات<br>شاخص ها |
|---|--------------------------------------|--|--------------------------------------|--------------------------------------|---|------------------------|
|    | دارای حیاط مرکزی و درونگرا           | داشتن حس تعلق در مکان                  | متناسب برای استفاده همه افراد جامعه  | احساس امنیت در کالبد بنا             | تزئینات به صورت متعادل در این پاتوق محله رعایت شده است. | پاتوق محله بالا خیابان |
|   | فضا قابلیت استفاده ندارد و تعطیل است | فضا قابلیت استفاده ندارد و تعطیل است   | فضا قابلیت استفاده ندارد و تعطیل است | فضا قابلیت استفاده ندارد و تعطیل است | فضا قابلیت استفاده ندارد و تعطیل است                    | پاتوق باغ حسن خان      |
|  | -                                    | داشتن حس تعلق در مکان                  | متناسب برای استفاده همه افراد جامعه  | -                                    | در این پاتوق محله تزئینات به اندازه و مناسب است.        | پاتوق محله گلشن        |
|  | -                                    | داشتن حس تعلق در مکان بخاطر فضای نشستن | -                                    | -                                    | -   | پاتوق محله سراب        |
|  | -                                    | داشتن حس تعلق در مکان                  | متناسب برای استفاده همه افراد جامعه  | احساس امنیت در کالبد بنا             | تزئینات به صورت متعادل در این پاتوق محله رعایت شده است. | پاتوق محله دلگشا       |

پس از مشاهدات میدانی از فضا و ارزیابی کیفیت‌های پاتوق محله‌ها بر اساس شاخص‌های عناصر و اصول معماری سنتی ایران، مشخص شد که در طراحی پاتوق محله بالاخیابان و پاتوق محله دلگشا از عناصر معماری سنتی ایران بیشتر بهره گرفته شده و اصول معماری سنتی تا حد مقبولی رعایت شده است که این خود باعث جذب مخاطب به این فضا گردیده است و مخاطب بیشتری به طور میانگین از این فضاها بهره می‌برد.

نتیجه‌گیری



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

بدون شک معماری ایرانی یکی از تأثیرگذارترین سبک‌های معماری در جهان است. معماران ایرانی با به کار گرفتن هوش و ذکاوت خود و در نهایت هنرمندی، با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و هوایی و فرهنگی هر منطقه، این عناصر معماری را توسعه می‌دادند و در جهت برقراری آسایش مردم این مناطق می‌کوشیدند. «پاتوق‌های شهری در ایران» تلاشی برای نمایاندن، تحلیل، واکاوی و توصیف این فضاها در ایران است؛ فضاهایی با قلب تپنده که مجال دیدن و شنیدن و سخن گفتن را فراهم می‌کنند. با بررسی پنج پاتوق محله در شهر مشهد به این نتیجه می‌رسیم عناصر معماری سنتی ایران که در پاتوق محلات مشهد به رفته است، خود باعث جذب مخاطب به این فضا گردیده است و مخاطب بیشتری از این فضاها بهره می‌برد. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در پاتوق محله دلگشا و بالاخیابان به دلیل داشتن عناصر و رعایت اصول معماری سنتی بیشترین اولویت را دارند؛ و بعد از آن پاتوق محله گلشن، پاتوق محله سراب و پاتوق باغ حسن خان در حد مقبولی اصول معماری سنتی را رعایت کردند؛ در مجموع عناصر معماری سنتی ایران در تمامی پاتوق محلات مورد بررسی، به صورت کم و بیش رعایت شده است که رعایت این موارد باعث شده است تا حس یکپارچگی و پیوستگی خاصی با گذشته برقرار شود و حس خوب و خوشایند ظاهر سنتی حفظ، حس وحدت برای ساکنان محله، منطقه و حتی شهر فراهم شود که این امر خود باعث ایجاد مکان‌هایی شده که مخاطب فضایی آرام و بی‌دغدغه را تجربه نماید و بستری برای سرگرم‌شدن، گفت‌وگو کردن و قرار ملاقات گذاشتن و دوست‌های جدید پیدا کردن را داشته باشد.

## مراجع

۱. تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۰). *شهرسازی شهروندگرا*، (ترجمه محمد احمدی نژاد). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. یاراحمدی، امیر. (۱۳۷۸). *به سوی شهرسازی انسانگرا*. دانشگاه تهران: کتابخانه محیط زیست ص ۳.
۳. الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۶). *معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن*، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. دیبا، داراب. (۱۳۷۸). الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران. *معماری و فرهنگ* ۱ (۱): ۹۷-۱۱۱.
۵. متدین، حشمت‌الله. (۱۳۸۹). علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران. *باغ نظر پاییز و زمستان*، شماره ۱۵: ۵۳-۶۲.
۶. لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی - اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۶۶: ۵۸-۶۶.
۷. علیخانی، مینو و علیخانی، مینا. (۱۳۹۲). *از گره‌های سنتی تا پاتوق‌های شهری امروزی*، لزوم شهر شهروندگرا، کنفرانس معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، موسسه آموزش عالی خاوران مشهد.
۸. تقی‌زاده، کتایون. (۱۳۸۵). آموزه‌هایی از سازه‌های طبیعی، درس‌هایی برای معماران، هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی. شماره ۲۸.
۹. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۳). *سبک‌شناسی معماری ایران*، انتشارات سروش دانش، تهران.
۱۰. کریمی، علی. (۱۳۹۳). *حقیقت خانه رهیافتی به شناخت قدر*، ده مقاله در معماری، موسسه و منزلت شایسته خانه، رواق نظر تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، تهران.
۱۱. بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۱). *ظرفیت‌سنجی به‌کارگیری پوسته‌های دوجداره در طراحی معماری اقلیم گرم و خشک ایران به منظور کاهش مصرف انرژی* (نمونه موردی شهر یزد)، دوره ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صفحه ۲۹-۳۸.
۱۲. رضوانی، سعید. شش پری، زهرا و نوید. (۱۳۹۰). *ماندن در فضا*. ماهنامه همشهری معماری.